

سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تحولات راهبردی ۱۳۹۰
چشم‌انداز ۱۳۹۱

زیر نظر شورای نویسندگان



پژوهشکده مطالعات راهبردی
غیرتسلیمی

عرفان‌های کاذب و معنویت‌های نوظهور

مقدمه

از جمله حربه‌های دشمن برای نابودی فرهنگ پویای اسلامی، ایجاد و اشاعه فرقه‌ها و دسته‌هایی چون صوفی‌گری، بابی‌گری و بهایی‌گری است. هدف از ایجاد این فرقه‌ها هر چه باشد، موجب ایجاد انحراف‌های فکری و دینی در جامعه می‌شود. فرقه‌های انحرافی، همیشه دیگران را با برخورد و رفتار خوب و جذبه‌های مادی به سمت خود جذب می‌کنند. اگرچه آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از فعالیت اکثر فرقه‌ها از نظر ابعاد اجتماعی و امنیتی چندان مورد اعتنا قرار نگرفته‌اند، اما برخی از این گروه‌ها به دلیل آنکه به گونه‌ای مستقیم ارزش‌های اخلاقی و انسانی را نشانه گرفته و امنیت اجتماعی را خدشه‌دار می‌سازند، موضوعی امنیتی به شمار می‌روند. نخستین و طبیعی‌ترین نتیجه فرقه‌سازی، تفرقه‌افکنی و شکستن صف اتحاد میان مومنان است، که نتیجه آن چیزی جز سردرگمی، ایجاد هرج و مرج، کم‌رنگ‌شدن اعتقادات و ارزش‌ها و در نهایت نابودی آن نیست. منظور از فرقه‌سازی، جداسازی یک جزء از یک کل است که در ادیان مختلف سابقه داشته است.

در پژوهشی آسیب‌شناسانه که در سال ۸۹ توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری انجام شده، در حدود دویست اثر مخرب در زمینه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی برای این جریان‌ها شناسایی شده که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- ایجاد شکاف عقیدتی در سطوح مختلف جامعه
- ایجاد حس بی‌تفاوتی در مورد مسائل مهم روز و از بین بردن حساسیت افراد نسبت به مسائل سیاسی
- جایگزین ساختن احساس‌گرایی به جای تعقل و خردورزی
- ایجاد تزلزل در باورها و عقاید افراد همچون ترویج تصویری موهوم از خداوند و ماوراء الطبیعه
- تساهل نسبت به شریعت
- فروکاست اصول اخلاقی به سلیقه شخصی
- جایگزینی خودمحوری به جای خدامحوری
- تحریف معنوی آموزه‌های اسلامی
- ایجاد بحران هویت دینی
- هماهنگ‌نمودن ارزش‌های معنوی با آرمان‌های موهوم غرب
- از بین بردن کارکرد دین در تعیین سبک زندگی فردی و اجتماعی
- گسست اعتقادی مردم از حکومت اسلامی و کاهش استحکام پایه‌های مردمی آن
- سست‌نمودن بنیان خانواده
- ترویج استفاده از مواد مخدر
- ترویج بی‌عفتی و فساد و فحشا و ایجاد روابط ناسالم میان افراد
- سوءاستفاده‌های اقتصادی از افراد

جریان‌های معنوی و عرفانی انحرافی در ایران

امروزه در ایران، به جز عرفان ناب اسلامی و شیعی که در افکار و آثار مرحوم امام راحل (ره) تجلی کرده است، با سه جریان عرفانی دیگر مواجه هستیم که هر کدام از آنها به نحوی با مبانی عرفان اسلامی ناسازگارند. نخست جریانی است که به مدعیان دروغین معروف شده است. ادعاهای آنها در یک طیف وسیع و گسترده، از ادعای ارتباط با ائمه اطهار (ع) و علم غیب و ارواح گرفته تا دعوی پیامبری، جن‌گیری، دعانویسی، رمالی، سحر و جادو، غیب‌گویی و برخی عقاید خرافی دیگر قرار می‌گیرد.

دسته دوم سلسله‌های دراویش می‌باشند که به صورت‌های گوناگون نظیر گنابادیه، قادریه، نقشبندیه، اویسیه و کمیلیه فعالیت می‌کنند.

دسته سوم نیز جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا هستند که در حافظه تاریخ ایران حضور طولانی ندارند و عمدتاً از شرق یا غرب به کشور ما وارد شده و به تعبیری، شبه‌عرفان‌های وارداتی می‌باشند.

معروف‌ترین گرایش‌های ضاله در کشور ما شیطان‌پرستی، عرفان کیهانی، اوشو، اکنکار،

سرخپوستی، رام‌الله، پائولو کوئیلو و دالایی لاما هستند که توانسته‌اند در بین قشر جوان و نوجوان کشورمان نفوذ کنند.

مطابق برآوردهای مراکز مسئول، در سال‌های اخیر، به ویژه از ۱۳۸۹ به این سو، سن گرایش به عرفان‌های کاذب در کشور کاهش یافته است. بسیاری از ترویج‌کنندگان این مکاتب برای تأثیرگذاری بیشتر بر افکار نسل جدید از سنین پایین دبستان و راهنمایی آموزش‌های خود را آغاز می‌کنند، حتی برخی از فرقه‌های ضاله برای مراحل دبستان و راهنمایی کتاب‌هایی نیز دارند، زیرا اگر تبلیغ خود را از این سنین آغاز کنند، بیشتر موفق می‌شوند.

فرهاد اقطار مدیرکل پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در بهمن‌ماه ۱۳۹۰ اعلام نمود برخی جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا در شهرهای کوچک، در قالب و صورت‌هایی مانند درویش تجلی می‌یابد، اما در حال حاضر مشاهده می‌شود که در استان‌های بزرگ، کتاب‌هایی به فروش می‌رسد که اوشو، معنویت هندی، معنویت آمریکایی و شیطان‌پرستی را ترویج می‌کنند.

او با اشاره به وجود شیطان‌پرستی‌های سنتی در استان‌هایی نظیر کردستان ایران و مناطقی در جنوب، ادامه می‌دهد: در حال حاضر مشاهده می‌شود که شیطان‌پرستی‌های نوین در قالب نمادهایی نظیر ۶۶۶ در خیابان‌ها تجلی می‌یابد و یا در قالب گردن‌آویز توسط کودکان و نوجوانان استفاده می‌شود. سینمای ماوراء هم فلسفه‌های سیاسی خاصی را بروز می‌دهد و این‌ها همه لزوم پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در کشور را افزایش می‌دهد.

عملکرد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیستم‌های بروکراسی دولتی این است که تا مسئله‌ای به درجه بحرانی و حساس نرسد، مورد توجه و پیگیری قرار نمی‌گیرد. همین کندی در درک و واکنش نسبت به آسیب، باعث از دست رفتن بسیاری از موقعیت‌ها و امکانات و بالارفتن هزینه‌های برخورد و کنترل آن می‌شود و می‌تواند آن را به بحران تبدیل کند.

مقام معظم رهبری با توجه به آگاهی از این امر (ضعف‌های سیستم بروکراسی) و با شناختی که از استراتژی و تاکتیک‌های دشمن در ابعاد مختلف آن، داشتند، این آسیب‌ها را پیش‌بینی و با ادبیات مختلف آن را به مسئولین گوشزد می‌کردند. هرچند بسیاری از دلسوزان نظام این خطر را بسیار جدی تلقی کرده و بدان واکنش نشان داده‌اند، اما نباید از تاکتیک‌های جنگ نرم دشمن غافل شد. آنها می‌خواهند با بزرگ‌نمایی و دادن آمارهای غلط و غیرواقعی نظام را در موقعیت ضعیفی در حوزه‌های اصلی و بنیادین، یعنی ارزش‌های دینی و اخلاقی نشان دهند. نبود پایش دقیق در این حوزه از یک سو و تمرکز رسانه‌ای دشمنان نظام به عنوان سیبل خبری و مرکز شبه‌آفرینی، سبب گردیده که در خصوص میزان نفوذ چنین گرایش‌هایی در سطح جامعه بزرگ‌نمایی رسانه‌ای صورت پذیرد.

بنابراین، مهم‌ترین نکته این است که ما در حوزه عرفان‌های کاذب و انحرافی در موقعیت «آسیب» قرار داریم نه «بحران». در مدیریت آسیب‌ها معمولاً «میزان تهدید»، ضعیف و «زمان تصمیم‌گیری» و «درجه آگاهی» از آثار و نتایج مخرب بحران زیاد است. وضعیت این متغیرهای سه‌گانه عملاً مدیریت آسیب‌ها را تسهیل می‌کند.

۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تا پیش از سال ۱۳۷۳، کتب مربوط به عرفان‌های کاذب در ایران، هم اندک بود و هم پراکنده؛ اما از سال ۷۵ به بعد این کتاب‌ها به صورت هجده‌وار ترجمه و به بازار روانه شده‌اند. آمارها نشان می‌دهد از آن زمان تا سال ۱۳۸۸، بالغ بر صدها عنوان کتاب در این زمینه به زبان فارسی ترجمه یا تألیف شده است؛ که البته برخی از آنها در چند جلد منتشر شده‌اند. این آمار در سال ۱۳۹۰، روند نزولی داشته است. در این سال، به بسیاری از این آثار اجازه چاپ و نشر داده نشد (کتاب‌های پائولو کوئلیو، اشو، کریشنامورتی، یوگاناندا، دالایی لاما و...) و به انتشاراتی که این آثار را به صورت وسیع چاپ می‌کردند، تذکر جدی داده شد. در مواردی که باز دچار تخلف می‌شدند با لغو امتیاز یا محرومیت مواجه شدند. از طرف دیگر در جهت ایجاد آگاهی و شناخت از این جریان‌ها و فرق انحرافی، کتاب‌های زیادی چاپ و انتشار یافت که نمونه بارز آن چاپ رمان راز فرشتگان در سال ۱۳۹۰ است.

۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

معاونت فرهنگی وزارت علوم به عنوان نهاد مسئول در این زمینه در سال ۱۳۹۰، «طرح جامع سیاست‌گذاری فرهنگی اجتماعی در حوزه عرفان‌های کاذب و نحله‌های انحرافی در دانشگاه‌ها»، را که در سال قبل به تصویب رسانده بود، به مورد اجرا درآورد. این طرح در ۳ فاز اجرا شد. فاز اول، توصیف و تبیین علمی وضعیت موجود در دانشگاه‌ها با رویکرد پژوهش‌محور بود. فاز دوم، هم‌اندیشی صاحب‌نظران و متخصصان می‌باشد. در این راستا با هدف جلب حساسیت مدیران و کارشناسان حوزه دانشگاهی و تبیین اهمیت و چارچوب بحث «عرفان‌های کاذب و جریان‌های انحرافی»، مجموعه‌ای از نشست‌های تخصصی با دعوت از اساتید و صاحب‌نظران برگزیده در سه سطح رؤسای دانشگاه‌ها، معاونان دانشجویی و فرهنگی و مدیران فرهنگی و کارشناسان فرهنگی در قالب نشست‌های فصلی موردی طراحی و برگزار گردید. استفاده از ظرفیت‌های ایجادشده کرسی‌های آزاداندیشی در سطح دانشجویی و نشست‌های هم‌اندیشی اساتید دانشگاه‌ها (حوزه اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی) که با تدبیر مقام معظم رهبری صورت گرفته‌اند، جهت به بحث و بررسی گذاردن این موضوع مهم و انعکاس آن در جامعه علمی و اجرایی کشور، گامی ضروری بود که با شکل‌گیری نشست و کرسی‌های تخصصی پیگیری شد. در این راستا، بیش از ۲۰ کرسی آزاداندیشی در خصوص عرفان‌های انحرافی برگزار شد.

مهم‌ترین نکته
در حوزه عرفان‌های
کاذب و انحرافی این است
که ما در موقعیت «آسیب»
قرار داریم نه «بحران»

۳. صدا و سیما

یکی از مهم‌ترین نقطه ضعف‌هایی که دشمنان اسلام و انقلاب توانستند از آن استفاده کرده و به ترویج این جریان‌ها در سطح وسیعی بپردازند، عدم آگاهی عمومی اقشار جامعه از این موضوع بود. مروجان این عرفان‌ها و جریان‌های انحرافی به اسم ترویج آرامش، موفقیت، یافتن گوهر درون، نزدیک شدن به خدا و مانند آن، با انواع و اقسام ترفندها توانستند نفوذ وسیعی در مراکز سمعی و بصری بکنند. برای مثال پخش برنامه‌های روانشناسی شبکه تهران در ۵ سال پیش تحت عنوان «از کجا باید شروع کرد؟» به وسیله محمد علی طاهری سرکرده فرقه کیهانی باعث به شهرت رسیدن وی شد یا پخش فیلم‌هایی تحت عنوان سینما ماوراء و همچنین، عدم دقت در نظارت بر برنامه‌سازی‌ها و پخش علائم و نشانه‌های آنها باعث رنجش بسیاری شد.

مهم‌ترین اقداماتی را که رسانه ملی در جهت مقابله با عرفان‌ها و جریان‌های انحرافی در سال ۱۳۹۰ به انجام رسانده است را باید در دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم‌بندی کرد. که عبارتند از:

۱. کنترل و نظارت بر کل شبکه‌ها و برنامه صدا و سیما در جهت جلوگیری از پخش علائم، نمادها و نشانه‌های عرفان‌ها و جریان‌ها و فرق انحرافی.

۲. برگزاری نشست‌ها، میزگردهای تخصصی و همایش‌ها که در آن موضوع عرفان‌های کاذب و جریان‌های انحرافی به بحث و بررسی و تبادل نظر صاحب‌نظران علمی و اجرایی کشور و متخصصان و فعالان امر در جهان، به ویژه جهان اسلام گذاشته شد.
۳. شناسایی، بررسی و جمع‌آوری اقلام سمعی و بصری حاوی یا مروج اندیشه‌های جریان‌های انحرافی و کاذب در سطح برنامه ساخته‌شده یا در دست ساخت.

۴. تحقیق و برنامه‌سازی در مورد روش‌های کاربردی‌سازی و تسهیل آموزش مستقیم و غیرمستقیم آموزه‌های دینی و عرفان اصیل اسلامی- ایرانی در زندگی روزمره در قالب سریال، فیلم و مانند آن، در جهت آگاهی‌دادن به اقشار جامعه از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و پیچیده‌ای که مروجین این عرفان‌ها برای اغفال و جذب افراد استفاده می‌کنند و همچنین، اثرات مخربی که عضویت در این فرق در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین دنیوی و اخروی برای افراد به ارمغان خواهد آورد.

سردمداران فرقه‌های انحرافی، اخیراً با برنامه‌ریزی‌های گسترده، اقدامات مختلفی را برای نفوذ در مجالس خانگی، به ویژه جلسات روضه‌های زنانه اجرا کرده و تلاش کرده‌اند برای گسترش افکار و عقاید خود، با زبان عامه‌پسند مطالب خود را ارائه کنند

۴. سازمان تبلیغات اسلامی

سردمداران فرقه‌های انحرافی، اخیراً با برنامه‌ریزی‌های گسترده، اقدامات مختلفی را برای نفوذ در مجالس خانگی، به ویژه جلسات روضه‌های زنانه اجرا کرده و تلاش کرده‌اند برای گسترش افکار و عقاید خود، با زبان عامه‌پسند مطالب خود را ارائه کنند. از این رو، سازمان تبلیغات اسلامی برای مقابله با این اقدامات با برگزاری کارگاه‌های مختلف سعی در تحلیل و تبیین خصوصیات و مختصات نحله‌های مختلف عرفان‌های انحرافی، آثار سوء گرایش به آنها و تشریح تفاوت‌های این روش‌ها با عرفان شریعت‌مدار و جنبه‌های بدیل و ناشناخته عرفان اسلامی

پرداخته تا عامه مردم بتوانند به زبان ساده و همه فهم با آن آشنا شوند و با ارایه الگوهای عینی عرفان‌های اسلامی (شیعی) و با معرفی شخصیت‌هایی چون حضرت امام (ره)، همگان به درک درستی از آنها نائل آیند.

همچنین کلاس‌های فرقه‌شناسی در مدرسه‌های علمیه مانند مدرسه علمیه حضرت فاطمه (س) در دو مرحله سال تحصیلی ۸۹-۹۰ به صورت دوره عمومی و فاز دوم آن در دو دوره تخصصی و نیمه تخصصی در سال ۹۰-۹۱ برگزار شده و خواهد شد که از جمله اهداف آن، شناسایی جریان‌های انحرافی توسط طلاب در منطقه و محله‌های زندگی از طریق ورود به جلسات خانگی و آموزش خانواده‌ها می‌باشد.

۵. وزارت اطلاعات همراه با نیروی انتظامی

بسیاری از این جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی با واسطه و بی‌واسطه از بیرون به وسیله دشمنان نظام و انقلاب حمایت می‌شوند. این حمایت‌ها اشکال گوناگونی دارد. مهم‌ترین آنها به شکل حمایت‌های مالی و پولی، کمک‌های فکری و انسانی در جهت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی به تشکیلات و بست و گسترش آن، کمک در جهت ایجاد سایت‌های اینترنتی در کم‌ترین زمان، به طوری که چند ساعت بعد از فیلتر شدن آنها، سایت جدیدی با مشخصات دیگر ایجاد نمایند. وزارت اطلاعات با همکاری نیروی انتظامی توانسته در سال ۱۳۹۰ بسیاری از این منابع را شناسایی و به مردم معرفی نماید. بخصوص در فضای مجازی و اینترنت با شناسایی سایت‌های مروج عرفان‌ها و دستگیری آنها جلوی پخش و تبلیغ بسیاری از آنها را بگیرد.

وزارت اطلاعات با همکاری نیروی انتظامی توانسته با نفوذ در محافل مخفی و زیرزمینی، بسیاری از باندهای مخوف شیطان‌پرستی و عرفان‌های انحرافی را متلاشی نماید. این همکاری در چند نوبت در خصوص بازداشت اعضای فرقه دراویش گنابادی و نوکیشان مسیحی نیز وجود داشته است.

یکی از اقدامات بسیار مهم وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۰، رصد مداوم فعالان حوزه عرفان‌های انحرافی در خارج و داخل کشور می‌باشد. با هوشیاری نیروهای اطلاعاتی از ورود بسیاری از سردمداران و سرشاخه‌های این گروه‌ها به کشور جلوگیری و یا در هنگام ورود نسبت به دستگیری و بازگرداندن آنها اقدام شد.

۶. قوه قضاییه

قوه قضائیه در راستای مبارزه با عرفان‌های انحرافی دو اقدام بسیار مهم انجام داده است. اولین آن ایجاد سازوکارهای قانونی برای جرم‌انگاری و تعریف عناصر مادی، معنوی و قانونی این چنین افکار و اعمالی می‌باشد. این مهم در لایحه قانون مجازات جدیدی که مراحل تصویب خود را در مجلس و شورای نگهبان می‌گذراند (که به احتمال زیاد در سال ۱۳۹۱ انتشار یابد)، تا حدودی

بسیاری از این جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی با واسطه و بی‌واسطه از بیرون به وسیله دشمنان نظام و انقلاب حمایت می‌شوند

پیش‌بینی شده است. دومین اقدام، محاکمه بسیاری از عناصر و سرکردگان عرفان‌های انحرافی و نوظهور می‌باشد. در سال ۱۳۹۰، محمد علی طاهری سرکرده فرقه نوظهور و منحرف کیهانی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی، محاکمه و محکوم شد. بسیاری از اعضا و سرکردگان این گروه‌های منحرف توسط وزارت اطلاعات و پلیس امنیت دستگیر و به قوه قضائیه معرفی شدند که مراحل دادرسی و محاکمه آنها در حال انجام است.

چشم‌انداز ۱۳۹۱

به نظر می‌رسد تلاش جریان‌های مسیحی و کلیساهای خانگی در سال ۱۳۹۱، برای تبلیغ مسیحیت در کشور و تغییر دین مسلمانان، به ویژه در تهران و مناطق شمالی کشور افزایش خواهد یافت. در عین حال، با توجه به تدابیر و کنترل‌های موجود، تهدیدات ناشی از عرفان‌ها و معنویت‌های کاذب و نوظهور افول می‌یابد و معنادار نخواهد بود.